



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۷۴

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات اول از مستور )

جلسه پنجشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۰ - ۲ ذی القعدة ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰ تومان  
 و داخله ۱۰۰ تومان  
 مخارج ۱۲۰ تومان  
 تك شماره: يك تهران

مطبعة مجلس

شماره مسلسل - ۲۸۹

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۰ هـ (دوم ذی القعدة ۱۳۵۰)

## تبریرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) خبر ۱ تصویب لایحه انحصار قند و شکر و کبریت
- ۳) خبر ۲ تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار دخانیات
- ۴) خبر ۱ تصویب دوله لایحه از طرف آقای وزیر معالی
- ۵) خبر ۲ تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار دخانیات

مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر براساس آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه پانزدهم اسفند ماه را آقای هژید احمدی (منشی) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

#### خبر کیسیون

رئیس - آقایان مطالبی دنیا  
 طلبایانی دنیا قبل از دستور  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (نماینده کن -  
 خبر) صورت مجلس تصویب شد  
 ۲ - شور و تصویب لایحه انحصار قند و شکر و کبریت  
 رئیس - خبر از کیسیون بودجه راجع بانحصار قند و  
 شکر و کبریت قرائت میشود

لایحه نهمه ۴۸۷۴ دولت راجع بانحصار قند و شکر  
 کبریت با حضور آقای وزیر معالیه مورد شور و مباحثه واقع  
 اینک رای دولت آزاد برای تصویب مجلس مقدس تقدیم میگردد؛  
 ماده اول - دولت مجاز است از تاریخ تصویب این  
 قانون منافع حاصله از انحصار خرید و فروش قند و  
 شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴ را بحد ضرورت سر مایه و  
 مابقی که مطابق ماده سوم قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ برای مصرف

عین مذاکرات مشروح هفتاد و چهارمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰) در این تاریخ توسط و تهریر صورت مجلس

۳۳ - اسامی غالبین جلسه قبل که ضمن صورت مجلس خوانده شدند:

غالبین با اجازه - آقایان: آفتابیان - مانی - میرزا محمدخان وکیل - حبیبی - آصفی

غالبین بی اجازه آقایان: تهرستانی - دبستانی - اورنگ - میرزاامانعلی وکیل - بوخرمی - حبیبی میرزا دولتشاهی  
 لرزی - امیرتبریزی - عبدالعزیزخان دنیا - بوئر - ملک آرائی - فراگوزلو - آفتابیان - محمدباقرخان قزوینی - حاج غلامحسین ملک  
 دیرآمدکنانی اجازه آقایان: میرزا سید بهریدان طامبی - حاج میرزا حبیب الله آفتابیان - لطفعلی - آفتابیان - مرتضی قلیخان بیات  
 و کترسیمی - مسعود تاشی - حکمت

مقرر در ماده ۹ همان قانون و هم چنین حقوق گمرکی و عوارض راه (موضوع قانون ۱۹ بهمن ۱۳۰۴) کساز عوارض مقرر در جزء عایدات عمومی مملکت محسوب نماید ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون اخصار درود هم و هم چنان خرید و فروش کبریت بدولت و آنگار شده و عواید حاصله از آن بهداز وضع سرمایه بجمع عایدات عمومی مملکتی منظور خواهد شد

ماده سوم - وزارت راه به مجاز است در سال ۱۳۱۱ برای سرمایه و متخرج اجرای اخصار دولتی قندو شکر کبریت از یک ملی با یکی از بانکهای دیگر با مبلغ سه میلیون تومان قرض کند و اصل و فرع آنرا از محل عواید حاصله از معاملات قندو شکر و کبریت بپردازد.

بجز - ماده ۱۰ قانون مهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ تصویب این قانون مالی است

ماده چهارم - حقوق مذکور در ماده سوم قانون مهم خرداد ۱۳۰۴ شامل قندو شکر مصنوعی داخلی نیز خواهد بود

ولیس - چون در ماده سوم این قانون برای سال ۱۳۱۱ پیش بینی شده بود کمیسیون بودجه چندین بار در این ماده اظهار نظر کرده است قرائت میشود.

#### خبر کمیسیون

کمیسیون بودجه چندین بریاست آقای بیات تشکیل و خبر کمیسیون بودجه قندو شکر لایحه ۴۷۴۷ دولت مطرح شود قرار داد نسبت با اعتبار سه میلیون تومان برای سرمایه و متخرج اجرای اخصار دولتی قندو شکر و کبریت و موافقت نمود.

ولیس - مذاکره در کلمات است (مخالفی نیست) رأی میگیریم برود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود. ماده اول - دولت مجاز است از تاریخ تصویب این قانون منافع حاصله از اخصار خرید و ورود و فروش قند و شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴) را بهداز

را بکر هم عرض کرده ام) موضوع صحنه عمومی یکی از مؤثر ترین موضوعی است که حتماً باید مورد توجه دولت و مجلس واقع شود و بنابراین مقتضای بنده بودجه صحنه در ضمن بودجه کل مملکتی آن موقعی را که حتماً باید حاضر باشد یاد آوری است. و بهترین دلیلی که دارم برای اینکه بیشتر باید صحنه را در دولت مورد توجه قرار بدهد احصایه است که از تلفات غرس و بهتلایان زمستان سال گذشته در دست است راجع بشهر طهران. تلفات شهر طهران همیشه در حدود ده یازدالی دوازده نفر در روز بوده است تقریباً از سیصد الی سیصد و پنجاه نفر در ماه تجاوز نمیکرد ولی اگر باحصایه زمستان گذشته مراجعه شود و البته آقای وزیر داخله از نظر نشان گذشته و در بعضی جرایم هم بوده است. عدالتات هم تقریباً برابر بوده است و شد و نه بخواهم واقعاً بسکوت بگذارم که باک هیچ موضوع مهمی که راجع به حیوة مملکت است بسکوت و غرضی بگذارم و مورد توجه واقع نشود زیرا از نظر نگاه حساب کنیم بهترین سرمایه مملکت داشتن اخصار سالم و صحیح الزراج است. از نفعه نظر اقتصاد سرمایه مملکت محسوب میشود از نفعه نظر نظامی هم منظور. از نفعه نظر رعایت این موضوع در درجه اول اهمیت واقع است و این موضوعی که بنده پیشنهاد کرده ام سابقه هم داشت در ادوار گذشته هم شاید آقایان در نظر داشته باشند که در مجلس حنظ.

الدخ و مجالس رسمی و صحنی مذاکره میشد که خوب است باک مالیات و عوایدی اختصاص به صحنه داده شود و مخصوصاً در موضوع کبریت مذاکره میشد که این یک عوایدی است و تمهید زیادی هم نسبت خوب است عواید ایفرا اختصاص بدهند به صحنه مملکت. در این موقع که از طرف دولت یک نفر مستشار و متخصص هم از خارج برای صحنه استخدام شده است بعقیده بنده موافقت این شخص متخصص فقط هوکول باین است که یک بودجه نسبتاً رسمی داشته باشد تا بتواند باک اقداماتی برای صحنه عمومی مملکت بنماید. این بود که بنده این

پیشنهاد را کردم ضروری هم در آن نمی بینم. و اگر موافقت فرمایند که این موضوع مخصوص اختصاص داده شود صحنه بیشتر به نفع مملکت و مردم تمام میشود.

**دکتر طاهر مالیه (آقای تنی زاده)** - بیست آقای ملک زاده البته خیل صحیح و باک است ولی این که سابقاً تکراری از این بوده است همیشه در سال مالی که بعضی از عایدات بهمدار غیر ضروری بخوش میسرند وظله میشود میکنند از پوست بره یک چیزی کتای بگذارند برای صحنه مالیات ارشی را هم صدی سه یا سه و نیم بکنیم و حسابی را علیحده بگذاریم برای معارف. ولی الحمدلله امروز آطور نیست و اگر بودجه را ملاحظه بفرمایند (امروز همه اش را تقدیم میکنم) اشخاص قدیم میکنند که بیشتر بودجه را اشخاص و مستخدمین میبرند در سورتیکه اگر این بودجه را ملاحظه فرمایند خوردن شکایت دارند از این کف چرا بستند بین بندر کاسی میسرند و بجد کافی تخصیص داده شده و بیشتر بهمدار صحنه و مؤسسات عام المنفعه تخصیص داده شده و علاوه آید که تأسیس میشود از عایدات همین قانون است و از عایدات همین نیست. این که فرمودید البته یک خیال خوبی است وقتی که آن تکراری که عرض کردم در کار باشد ولی اگر بنا شد بشود باندی زحمت و درد سرو محاسبه دارد که وزارت مالیه عاجز میشود (صحیح است) در امور اداره کرداش.

**ولیس** - آقای ملک زاده پیشنهادت را مسؤرد کردید؟

**ملک زاده** - بل

**ولیس** - آقای خیر فرمایشی دارید؟

**دکتر طاهر** - بل یک کلمه و عوارض باین طور که عواید سرمایه در سطر سوم باید اضافه شود باین طور که عواید حاصله از آن بهداز وضع سرمایه و عوارض راه بجمع عایدات مملکت میسرند چله و عوارض راه بعد از کلمه سرمایه اضافه شود.

**ولیس** - آقای وزیر هم باین اصلاح موافقت

ولير مایله - بلی

ولير مایله - آقایی که با این ماده موافقت دارند قیام

فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولير مایله - تصویب شد ماده سوم.

ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است در سال ۱۳۱۱

برای سرمایه و مخارج اجرائی انحصار دولتی قند و شکر

و کبریت و پانک ملی را یکی از بانک های دیگر تا مبلغ

سه ملیون تومان قرض نکرده و اصل و فرع آنرا از

عمل عواید حاصله از معاملات قند و شکر و کبریت بپردازد

تبصره - ماده ده قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ

تصویب این قانون ملغی است.

ولير مایله - آقاي طباطبائی ديبا.

طباطبائی قیام - ظاهر ماده این است که این وجهی

که دولت برای سرمایه معین میکند در همان سال که

هزار و سیصد و یازده باشد قرض میکند و در همان

سال هم پرداخت میکند. خبر اولی کی-یون بقرینه شده

بجز بود زیرا این عبارت نبود و کلمه حساب جاری هم

بود حالا آن حذف شده یعنی هم هزار و سیصد و یازده

این جا نوشته شده و هم جمله حساب جاری در این جا

حذف شده و بنده تصور میکنم که اگر جمله حساب جاری

باشد بهتر است. و وزارت مالیه که این قرض را میکند

مجبور نباشد که در همان سال هزار و سیصد و یازده که

این قرض را کرده پرداخت نماید. و بحساب جاری

قرض میکند بدم هم پرداخت نماید.

ولير مایله - آقاي مخير توجه فرمودند؟

ولير مایله - آقاي مخير توجه فرمودند؟

آقا این است که قرض شائب شود و بحساب جاری باشد

هیچطور هم خواهد شد حساب جاری با غیر جاری هر

در عنوان قرض را دارد منتها قرضی ثابت است و قرضی

بمنوان جاری ما هم البته بحساب جاری خواهیم گرفت

و فقط برای یکسال است و یکساله مسترد خواهد شد.

قیام - در همان سیصد و یازده مسترد خواهد شد؟

ولير مایله - بلی.

ولير مایله - آقايانیکه با ماده سوم موافقت دارند قیام نمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولير مایله - تصویب شد. ماده چهارم.

ماده چهارم - حقوق مذکوره در ماده سوم فاسدون

۹ خرداد ۱۳۰۴ شامل قند و شکر متنوع داخلی نیز

خواهد بود.

ولير مایله - اشکالی ندارد؟ (اظهار شد خبر) آقايان

موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

ولير مایله - تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است.

(کارروزی - مخالفینست) موافقتین و فرقی ندهند و اعتماد داد.

(اخذ و استخراج آراء بعد آمده هفتاد و هفت

دوره سفید تعداد شد)

ولير مایله - عده حاضر در موقع اعلان رأی نود و دویز

اکثرت هفتاد و هفت رأی تصویب شد. †

۴ - شور ثانی لایحه اصلاح قانون انحصار دخانیات |

ولير مایله - خبر از کمیسیون قوانین مالیه راجع انحصار

دخانیات مطرح است دور دوم

مخیر کمیسیون قوانین مالیه (کارروزی) - در اوپورتی در

تاریخ ۱۲ اسفند در تحت نمره ۳۰۶ طبع و توزیع شده

لکن چون لازم شد که تجدید نظری شود با حضور آقای

وزیر مالیه و اعضاء کمیسیون تجدید نظر کردند در اوپورت

قانونی تهیه شد لازم دانستم تذکر بدهم که خبر اخیر ذیل

نمره ۳۰۸ و ۳۰۹ اسفند را مطرح قرار بدهید.

ولير مایله - ماده اول فرائض میشود.

ماده اول - حق وارد صادر کردن در حدود مقررات

قانون انحصار تجارت خارجی و خرید و فروش و تهیه

و نگاهداری و حمل و نقل اجناس دخانیه را انواع کاغذ سیگار

و متفرعات آن در کلیه مملکت منحصراً بدولت و این

انحصار موسوم با انحصار دولتی دخانیات خواهد بود همچنین

حق نگاهداری و بکار انداختن ادوات توتون بری و ماشین

های کاغذ بری و صحنائی کاغذ سیگار و کبوتر دویز و ماشین

های سیگار بیچی و متفرعات آن مختص بمؤسسه انحصار

دخانیات است.

مؤسسه انحصار حق خواهد داشت کلیه ادوات و

ماشین های مذکور در فوق را که اجازه نگاهداری و بکار

آنداختن آنها را بکسی ندهد و همچنین ماشین ها و ادوات

آنها را که اجازه نگاهداری و بکار آنداختن داده و بعد

سلب نموده است از صاحبان آنها خرید و قیمت آنها را

بپردازد.

خریداری ماشین و ادوات مذکوره برطبق تقویم در

مفوم از خرف مؤسسه انحصار و صاحب مال خواهد بود

در صورت عدم توافق مقومین مقوم مشترکی تعیین و

تقریب اوراق حق خواهد بود و مؤسسه انحصار حق خواهد

داشت قیمت مزبور را بصاحب مال پرداخته ادوات و

ماشین های مذکوره را تصاحب نماید.

ولير مایله - آقاي توتول

توتول - بنده موافقم

ولير مایله - آقای ديبا

طباطبائی قیام - بنده با اساس این لایحه موافقم خاصه

با اصلاحاتی که در خبر ثانی کی-یون مالیه شده است

حقیقتاً می توان یک درجه امید وار شد که با این ترتیب

که در خبر ثانی کمیسیون هست مالکین و زارعین

یک درجه آسوده میشوند ولی میخواستن عرض کنم

که با وجود ماده چهارم که حق انحصار را بمنای حقیقی

بدولت میدهد دیگر این ماده اول زیاد است. ماده اول هم

حق انحصار را بدولت میدهد ماده چهارم هم حق انحصار را

بمنای حقیقی به دولت میدهد با باید ماده اول را بر

داشت با باید نوشت ماده اول در سنه ۱۳۱۲ حق وارد

کردن و صادر کردن بمنای انحصار را به منای حقیقی دولت

میخواهد حل کند باید اول است. این است که بنده این

ماده را زیاد میدانم. بعد هم این جا یک لفظ تهیه است

که انحصار تهیه دخانیات را بدولت میدهد. تهیه توتون

غیر از تهیه حیوانات و غلات است. حیوانات و غلات همینکه

میرسد میبرند در صورتیکه تهیه توتون پیماز درو کردن

غشک کردن می خواهد تهیه هائی لازم دارد. اگر چه

میدانم مقصود دولت از تهیه دولت این بوده که تهیه

را هم دولت بخردش اختصاص بدهد ولی چون ممکن است

اسباب زحمت شود بنده عقیده ام این است که عوض این

لفظ (تهیه) عبارت دیگری بکنند که فردا که زارع

خواست تهیه را آماده کند ما مورین دولت نیابند بگویند

تهیه هم منحصراً بدولت است. این طرز نباشد. بند این

جا یک لفظ سلب هم هست ماشین هائی که دولت بمرمدم اجازه

داده میخواند بعد آنها را سلب کند. این البته البته

بجهت بخردند بولادیک چینی دارد می خواهد سلب کند

آهم باید در اینجا تصریح شود که بیک چینی از چغانتا

مشروع در حقیقت دولت می تواند سلب کند زیرا دولت

تشیخیمی که این اجازه را داد دیگر حق سلب نخواهد داشت

مخیر (آقای کارروزی) - اولاً آنجا که فرمودند ماده

چهارم یا ماده اول زیاد است بنده که-ان نمیکند زیاد باشد برای این که ماده اول حق انحصار را بدولت میدهد ماده بعد میگوید دولت میتواند این حق را برودم و انکار کند یعنی آنچه برای ما را که آنجا گفته در ماده چهارم میگوید این حق از خود دولت هم سلب شده و این بفرمانی ندارد . اما آنجا که فرمودید تهیه ملاحظه بفرمایند دولت بعد از خرید و فروش تهیه میکند البته دولت که خرید تهیه میکند دولتی که بخواید بپوشد البته تهیه هم لازم دارد بفرمایند بخرند ولی تهیه نکند و تهیه بکردم بپوشد ! اینکه نمیشود . یک چیز دیگر هم فرمودید راجع به سلب . بعد از آنکه ما کفایت خرید و فروش و تهیه وارد کردن و سایر چیز های متعلق بان پارولت است و حق دولت است . آنگونه این حق را وقتاً میتواند باشخاصی بدهد و همانطور که می تواند برای یکسال وقتاً بدهد می تواند سلب کند و این منافاتی باهم ندارد .

ولیس - آقای طهرانی .

**طهرانی** - بنده میخواستم توضیح بفرمایند قسمت اخیر این ماده را که می نویسد ۲ و در صورت عدم موافق مقومین مشترک تعیین و تقوم او قاطع خواهد بود . ۴ این مقوم مشترک را کی باید تعیین کند ؟ مقومین باید تعیین کنند یا خود صاحب مال و اداره انحصار ؟ در صورتیکه صاحب مال و مؤسسه انحصار باید تعیین کنند اگر موافق پیدا نکردند چه خواهد شد اگر مربوط به مقومین باشد این چندان اشکال ندارد ولی اگر با خود صاحب مال و اداره و دخایان باشد آنگونه تکلیف چیست خوبست توضیحی بفرمایند که درست معلوم شود .

**مخیر** - عرض کنم آن دو نفر مقومین که اول گفتیم هر یک از آنها را یکی از طرفین تعیین کرده و مقوم ثالث را در صورت لزوم با مشترک تعیین خواهند کرد . اینکه فرمودید برای مقوم ۲ که در صورت خواهد داشت ؟ ( طهرانی ) بنده همچو عرضی نکردم رأی مقومین ثالث حاکم خواهد بود دولت است از یک طرف و شخص مالک است از طرف

دیگر و اینهم مهم همین معنی است . بعد از آنکه یک نفر مقوم مشترک تعیین کردند این مقوم مشترک متصرفاً هم را بر قاطع است . یعنی اگر مخالف پیدا شد بین این رای مقوم ثالث بان دو نفر مقوم اولی رای ثالث رجحان دارد و قاطع است **اعتقاد** - این توضیح بند .  
**وزیر مالیه** - یک نکته باقی ماند از آنچه که آقای طهرانی فرمودند راجع باین که اگر در مقوم مشترک موافقت حاصل نشد چه میشود . مسلم است هر چه میخواهند میشوند این چیز ها را در سایر قوانین در قوانین مالیه و قوانین اصلی و لواحق جاری می بینوند . طرفین حکم در حکم مشترک اگر موافقت نشد با قرعه تعیین میکنند ، اینها را میشود نوشت ولی این مرسوم مملکت شده است که موافق بکنند یا در باب حکم ثالث و یا در باب قرعه . اگر بخواهید نوشته شود بنده حرفی ندارم ولی همچو اشکال پیش نخواهد آمد زیرا با خودی راجع به مقوم مشترک موافق خواهد شد .  
**ولیس** - آقای اشباح  
**اشباح** - بیاناتی را که آقای طهرانی فرمودند کاملاً وارد است برای این که مقومینی در ابتدای امر البته تعیین میشوند این مقومین اگر موافق نکردند آنگونه یک مقوم مشترک به عقیده بنده باید برای ضرورت کار آن مقومین معلوم کنند آنگونه اینجا ما قائل شدیم این مثل حالت حکمینی که آقای وزیر مالیه اشاره کردید . حکایت با اکثریت است یعنی سه حکم که تعیین شد و رای داد اکثریت قاطع است ولی ما اینجا گفتیم که تقوم آن بکثرت مقوم مشترک حل میکند قضیه را آنگونه آت دو نفر ذی نظر نخواهند بود فقط آن یک نفر مقوم می که در نظر مقومین همین کرده اند است که بنظر هر چه هست قضیه واقع میگردد این است که بنده خیال میکنم برای این که اشتباه نشود بهتر این است که نوشته شود این یک نفری که آن دو نفر مقوم با موافق مقومین خواهند کرد برای این که اگر غیر از این باشد ممکن است سه معاد خود این مسئله طول بکشد

و اسباب زحمت خواهد شد و ضرر مردم است .  
**وزیر مالیه** - میفرمایند این دو نفر مقوم مقومین ثالث را تعیین کنند با صاحبان اصل مسئله بنظر بنده بهتر است که خود صاحب کار تعیین کند ولی این که فرمودید این را میشود نوشت که در صورت عدم موافق می بترتیب انتخاب حکایت معموله انتخاب میشود . این را پیشنهاد بفرمایند قبول میکنم . اما این که فرمودید این جا گفته شد رأی مقوم ثالث قاطع خواهد بود . این طور باشد بهتر است ولی اگر بنویسیم اکثریت اسباب اشکال است زیرا مقوم دولت یک رأی فرض کنید داشت و مقوم مشترک یک رأی . آنگونه اکثریت حاصل نمیشود ولی اگر یکی از دو مقوم رأی مقوم ثالث را دارد حتماً اکثریت است و اگر ندارد رأی ثالث حتماً باید اجرا شود . و اما راجع به مقوم مشترک عرض کنم که با مقومین معین کند یا صاحب مال و اداره هر طور که میخواهد بنویسید و در صورت عدم موافق می بترتیبی که در حکمیت معمول است باشد مامی ندارد هر طوری که میخواهید بنویسید .  
**ولیس** - پیشنهادی از آقای افسر رسید است قرائت می شود :

**پیشنهاد آقای افسر**

بنده پیشنهاد میکنم اگر دو مقوم اختلاف نظر پیدا کردند آن دو نفر مقوم مشترکی پیدا کنند  
**ولیس** - آقای افسر  
**افسر** - عرض کنم همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند در این چند سال که حکمیت در قانون عدلیه و مالیه پیدا شد به خیلی مشکلات برخوردند و از همه ساده تر و آسانتر همین است که اگر دو مقوم اختلاف پیدا کردند یک مقوم مشترکی خودشان پیدا کنند و آنگونه همانطور که فرمودند اکثریت حاصل میشود یعنی البته با موافق آن یکی خواهد بود با یا دیگری و الا غیر از این اگر باشد ممکن است او یک رأی پیدا کند بنابر خلاف هر دو نفر مقوم یعنی نه آن قبول کنند و نه این و این

فایده ندارد و مناط اکثریت است بنابر این بمقدورند بهترین است که اگر دو نفر اختلاف پیدا کردند یک نفر ثالث را خود آن دو نفر انتخاب کنند  
**مخیر** - لیکن خوب بود در نظر میگردید که اگر اکثریت پیدا نشد یعنی این سه نفر مقوم هر یک یک نظر خاصی داشتند باز باید یک نفر مقومین بود غرض این است که یک رأی قاطعی در قانون ما باید در نظر بگیریم و چون ممکن است که هر یک از این مقومین یک نظر خاصی پیدا کنند و در این صورت اکثریت ندارد و با نظر جنبانی نمیشود موافقت کرد مگر این که اصلاح فرماید پیشنهادتان را .

**افسر** - بنده پیشنهاد کرده ام یک نفر خودشان تعیین کنند

**اسمعیل خان قشقایی** - باید نوشته شود رأی مقوم ثالث قاطع است .

**وزیر مالیه** - ایشان صحیح میفرمایند ولی بدون اکثریت اگر نظرات این است که مقومین ثالث را تعیین کنند مامی ندارد .

**افسر** - مقصود همین است بنده اسراری در اکثریت ندارم .

**ولیس** - یک بار دیگر پیشنهاد آقای افسر خوانده میشود آقای وزیر مالیه ملاحظه بفرمایند .

**پیشنهاد آقای افسر**

بنده پیشنهاد میکنم اگر دو مقوم اختلاف نظر پیدا کردند آن دو نفر مقوم مشترکی پیدا کنند

**افسر** - همین کتب نوشته شود

**ولیس** - آقای مخیر موافقت ؟

**مخیر** - بلی .

**ولیس** - پیشنهاد آقای مؤید احمدی میشود :  
**پیشنهاد آقای مؤید احمدی**  
بنده پیشنهاد میکنم عبارت اخیر این فسم نوشته شود : در صورت عدم موافق مقومین اداره انحصار و مالک مقوم

مشترک تعیین آلی آخر ماده .  
ولیس - آقای مؤید احمدی .

**مؤیداحمدی** - چون در این جا رأی این حکم مشترک قاطع است این طور پیش بینی شده نه اکثریت همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده عقیده ام این است که اگر نواقض نظر بین مقومین پیدا نشد اداره انحصار و مالک مشترک با یک نفر را انتخاب کنند که رأی او قاطع باشد برای این که هم اداره انحصار او را معین کرده هم صاحب مال آنوقت قیمتی که او معین میکند رأی قاطع است ولی در صورتیکه مقومین معین کنند صاحب مال معین کرده و نه اداره انحصار از این جهت بنظر بنده این پیشنهاد عملی تر و بهتر است .

**ولیر مالیه** - آقا این پیشنهاد این مسئله را حل نمی کند منظور این است که آیا مقومین این مقوم نیک را معین کنند یا صاحب مال یک مطلب دیگر این است که اگر نواقض نظر حاصل شد وقتی که بگوئیم دو نفر مقوم توافق نظر حاصل نکرد آنوقت باز باید برود بعد فراسای رجوع کنند و باز باید بگوئیم که اگر دو نفر اصل نواقض حاصل کردند چه میشود ؟ بالاخره باید یکی از این دو تا را معین کرد یا مقومین یا صاحبان مال آنوقت باید معین کرد که اگر آن دو نفری که باید مقوم نیک را انتخاب کنند نواقض نظر حاصل نکردند برتری می که در حکمیت ها معمول است عمل بشود

**ولیس** - این دو تا پیشنهاد با هم دیگر مخالفت پیدا کردند برای اینکه پیشنهاد آقای افسر را قبول کردند که مقومین باشد .  
**ولیر مالیه** - باید يك كلمه فقط اضافه کرد که اگر طرفین در انتخاب مقوم مشترك نواقض نظر حاصل نکردند برتری می که در حکمیت ها معمول است عمل خواهد شد .  
**آفسر** - بسیار خوب ما قبول داریم .  
**ولیس** - نظر آقای اعتبار هم تأمین است ؟  
**اعتبار** - اجازه میفرمائید ؟  
**ولیس** - پیشنهادتان را بخواهند بعد بفرمائید .

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه مقوم مشترک اضافه شود و انتخاب مقومین .

ولیس - آقای اعتبار

**اعتبار** - عرض کنم این بنظر بنده هیچ اشکالی پیدا نمیکند و نمیتوانیم مطابق قانون حکمیت اینرا حل کنیم برای اینکه در اینجا نوشته ام در صورت عدم نواقض مقومین مقوم مشترك تعیین و رأی او قاطع است او که کتیب مقصد آنشخص سوه است یعنی دیگر مقوم بنده و با طرف هیچ تأثیری ندارد و در موضوع هم نمیتواند وارد شوند فقط مقوم است که مطلب را در نظر بگیرد و هر چه که او تشخیص داد و رأی داد قاطع است و اینرا بگوئیم که اگر نواقض نقد برای تعیین مقوم نیک آنوقت برود روی قانون حکمیت میشود برای اینکه قانون حکمیت نظر اکثریت است بنظر بنده بهتر این است که اینرا همینطور که هست بگذاریم فقط اضافه کنیم که تعیین مقوم مشترك را مقومین بکنند و اینرا ازین جهت بنده پیشنهاد کردم که مقومین معین کنند که صاحبان مال یا دولت مکن است موافقت نظرشان موجب تأخیر شود و هر کدام نظر خاصی داشته باشند ولی مقومین این اشکال را ندارد برای اینکه مطلب قطع شود و اینکار را تمام کنند نواقض توافق میکنند این بود بنظر بنده

**ولیر مالیه** - بنده تصور میکردم این مطلب خیلی جزئی است اول در مطلب بیشتر نبود بعضی از آقایان میکنند که مقوم مشترك را این دو مقوم معین کنند یا صاحب مال و اداره انحصار این يك موضوع بود این موضوع معلوم شد که دو نفر مقوم معین بکنند و يك موضوع دیگر این بود که آن کر دو نفر مقوم نواقض نکرده چه کار بکنند غیر از مطالب مطلب ثالثی نداشتیم این البته بخاطر می آید آمدند نواقض نکرده در مقوم مشترك و همینطور مسئله ماند این يك راه حلی میخواید بنده عرض کردم برتری می که در حکمیت ها معمول است عمل بکنند عرض نکردم مطابق قانون حکمیت حالا وقتی که پنج نظر را در آخر

ماده بنویسند بالاخره آن پنج نظر را تکرار بفرمائید باز میگرد روی همان نظر بنده که مطابق تریب حکمیت عمل کنند بنده عرض نکردم شامل کتب سایر شرعالمش را روی آن قانون که اگر اکثریت پیدا نشد با بطور شد با همهکجه تجارت رجوع شود این مسئله که توافق بین حکمین راجع به حکم مشترك شدن این معمول شده است در حکمیت و غیر حکمیت هم معمول شده است حتی در انتخاب مقومین هم معمول شده است این را در جوی کند که با آنجا برتری می که معمول است یعنی قرعه میکنند موض اینک تمام آن نظر را بنویسیم می نویسیم بآب تریب حل میشود برای اینکه اشکال باقی نماند و الا چیز دیگری است

**ولیس** - رأی بگیرم آقای اعتبار به پیشنهادتان ؟  
**اعتبار** - غیر بنده عرض ندارم .

**ولیس** - پیشنهاد دیگری از آقای شریعت زاده رسیده است :

پیشنهاد آقای شریعت زاده

قسمت اخیر ماده اول را به تریب ذیل اصلاح میکنم :  
اگر بین دو مقوم نواقض حاصل نشود اداره انحصار و صاحب مال بر تراض مقوم مشترکی معین خواهند نمود در صورت عدم توافق بین مالک و اداره مقوم مشترك بوسیله قرعه بین اشخاصی که حاکم و اداره بنده مساوی معرفی خواهند نمود معین میشود . رأی مقوم مشترك قطعی خواهد بود .

شریعت زاده - در این جا استنباهی شده و آن فیس

در تعیین خیره با حکم است و در اجرای این امر در موقع تعیین غیر مباحک استنباه شده این جا يك خیره معین میکنند که مشخص است ولی حکمیت يك نوع تفاوت است بنابر این چون مطلب اهدیت دارد باید طرفین دخالت داشته باشند در تعیین خیره و فقط قانون مودری را باید منظور کنند که موافقت حاصل شود آنها بوسیله صحیح وسیله

قرعه است این بود که بنده این طور پیشنهاد کردم که با رضایت مالک و اداره انحصار در صورتیکه بین آن دو مقوم اختلاف نظری حاصل شد يك خیره مشترك بنی مقوم مشترك انتخاب کنند و اگر نواقض در تعیین مقوم مشترك حاصل نشود مثلا سه نفر از اینطرف و سه نفر از آن طرف معین شود و بین آنها قرعه معین کنند و این هم يك اصولی است معمول همه جا حالا خوب است آقای وزیر مالیه برای این سکه مباحثه قطع شود همین را قبول کنند .

**ولیر مالیه** - مطلب غیر از پولس عیبی ندارد اما این که بنده عرض کردم خیلی کوتاه تر بود این که بنده عرض کردم که اگر نواقض نشد مطابق تریب حکمیت عمل کنند منظور این است که حکم معین کنند و عمل تفاوت داشته باشد و سایر مطالبی که در حکمیت هست این جا باوردم آن جا برای حکم مشترك يك تریب گذاشته اند و عوض این که آن دو سطر را بنویسیم میتوانستیم همانطور که عرض کردم نوشته شود ولی اگر يك کلمه آن جا نمی نوشتید عیب نداشت حالا آقای شریعت زاده که پیشنهاد اضافه کرده اند که اول مقومین مقوم مشترك معین کنند آن کر نقد صاحب مال اداره ( شریعت زاده - بنده همچو عرض نکردم ) و بعداگر نواقض نکرده آنوقت تازه باید برود و اسم بنویسند و خیلی مشکل تر است بنده تصور میکنم آن پیشنهاد اولی بهتر است که مقوم طرفین يك مقوم مشترك معین کنند و اگر نواقض حاصل نشد برتری می که در انتخاب حکم و غیر معین است عمل شود .

شریعت زاده - اجازه میفرمائید .

**ولیس** - يك مرتبه بیشتر ننویسند مذاکره کرد .  
**شریعت زاده** - يك استنباهی شده است  
**ولیس** - معمول نیست .  
**شریعت زاده** - سوء تفاهمی در پیشنهاد بنده شده است . اجازه میفرمائید .

رئیس - برآمدید.

شریعت‌زاده - بنده عرض نکردم خیره های طرفین معین کنند بنده از اول عرض کردم طرفین در صورتیکه موافقت کنند خودشان والا برتیب فرعه و بهیچوجه خیره های طرفین را دخالت ندام.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شریعت زاده را قایل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - قایل توجه شد. آقای وزیر مالیه حالا لایحه دو وضعیت پیدا کرد یکی این است که لایحه به کیسیون اعاده شود برای اینکه مطابق نظامنامه اگر پیشنهادی قایل توجه شد در همان روز نیشود رأی قطعی گرفت یکی دیگر اینکه بقیه مواد را تعقیب کنیم و این ماده برود به کیسیون.

ولیر مالیه - بنده که موافق بودم فقط کاتمه که طولانی است و عرض کردم عیبی ندارد مگر این که قدری طولانی و مفصل است و مناسبتر است مختصر تر باشد حالا اگر بنده قبول کنم عیبی ندارد و آقایان اکتالی نبی بیند که رأی گرفته شود؟

رئیس - ماده بعد را طرح میکنیم تا این باب فکر نکنیم. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - کلیه اجناس دخانیه پس از برداشت محصول و خشک نمودن باید در ظرف سه الی ششماه بر حسب تشخیص مؤسسه انحصار مندرجاً بابایار جایبکه آن مؤسسه در نزدیکترین محل دسرس زارعیان یا مرکز بلوک یا ولایت معین خواهد بود وارد شود. مؤسسه انحصار در هر عمل باقتضای موارد موعده یا برای ورود اجناس دخانیه بابایارهای دولتی لازم میدانند قیلامعین نموده و در ظرف آن مدت هرگونه نظارتی را که لازم بداند بعمل خواهد آورد.

مخیر - اول سطر چهارم (یعنی قیل از خواهد بود) یک حرف (ک) زیاد طبع شده حذفش فرمایند.

رئیس - در قرائت اگر رعایت فرمودید تلفظ بند

اگر منظور نان این است که سایر نسخه ها (که دست آقایان است) اصلاح شود عیبی ندارد. آقای ملک **ملک جلیلی** - بمقیده بنده قسمت آخر این ماده زورعی ندارد میخواست رأی وزیر مالیه توجه فرمایند ولی شریف ندارد میباید بنویسد: مؤسسه انحصار در هر عمل باقتضای موارد موعده یا برای ورود اجناس دخانیه بابایارهای دولتی لازم میدانند قیلامعین نموده و در ظرف آن مدت هرگونه نظارتی را که لازم بداند بعمل خواهد آورد. اول معین میکنند در ظرف آن مدت وارد خواهد شد وقتی که یک مدتی برای رسیدن ابار معین میکنند دیگر آن نظارت بمقیده بنده موعده ندارد اجناس دخانیه هم بر خلاف سایر چیزها چیزی نیست که قاچاق بشود برای اینکه تا بحال دیده نشده است و این قسمت اگر در قانون باشد یک حق برای عیبی از مامورین جزء میشود که در بعضی قراءه تولید بلت زخمی هائی بکنند بنده ای میگوید اگر موافقت فرمایند این قسمت عبارت اخیر را از ماده حذف کنند بهتر است برای این که احتیاج ندارد وقتی که اداره انحصار یک ابار هائی معین میکند و زارعیان مکلفند که تا سه ماه یا ششماه اجناس خودشان را هر قدر که اداره انحصار معین کرده اجناس خودشان را باذره اجصار وارد کنند و بعد از این مدت تحت نظر خودشان است و کنترل و نظارت لازم ندارد اثر مابین را قائل شوم یک تولید اشکال و زخمی برای زارعیان میکند

**ولیر مالیه** - این ماده قانون عین همان ماده قدیم است و برای این که بعضی اصلاحات درش شد صلاح این طور دانسته شد که تمام از اول تا آخر نوشته شود و بر عکس اگر ملاحظه فرمایند این ماده در کیسیون اصلاحی هم شد که در نزدیکترین محل دسرس آنها بگذارند و چاره هم نداریم و در یک ماده دیگری که بعد ملاحظه خواهید فرمود که این کار را حتماً باید بکنند که انحصار عملی شود اگر اینکار نشود قاچاق میشود این است که بآنها مهلت داده میشود که تا ششماه حق دارند که بابایار

هائی که دولت معین میکنند باورند و آقایان در این باب چون زیاد بحث شده است منسوق هستند که عمده مسائل همان آردن بابایار است بعد از آن بابایار دیگر زخمی ندارد و اگر در این باب معین شود دیگر اشکالی باقی نبی ماند و همه نوع مجازات و جریمه برای معین است و دیگر لزومی ندارد که مامورین بدعات بروند و در راه هفتش کنند که به بیند چیزی قاچاق میکنند بآخر اگر این قسمت اصلاح شود و بابایار باورند دیگر اشکال ندارد.

**رئیس** - آقای شریعت زاده.

**شریعت زاده** - بنده یک نظری دارم که خودم همه محسنت اطمینان ندارم این است که بصورت استفسار عرض میکنم و این است که هر زارعی بعد از برداشت محصول و خشک کردن آن مکلف است در ظرف ششماه بابایار باورند فرض فرمایند بنده یک تجاری هستم ابار دارم و میخواهم مقداری نونون برای بکسال تهیه کنم و گفته شود منطاً اغیار درمنع نگاهداری درباب فروش است که حتماً باید بفروشد یا خیر آیا این ماده شامل منع این معنی هم هست که یک رعیت با یک زارعی اگر ابار صحیح خودش داشته باشد و وقتی خواست بفروشد تسلیم اداره کند هلانی دارد ؟ خواستم این را بنهم.

**ولیر مالیه** - این چیزیکرانی ندارد اولاً مسئله ابار که دولت بنا کرده منظور نیست در هر بلوکی دولت همان ابار مردم را اسمش در ابار دولتی میکنند و یک نظارتی دارد که بآسانی میتواند جنس خودشان را آن جا بیورد و بعد از آردن به ابار مال خودش است و فقط شرطش آردن است در ابار دولت یعنی در تحت نظارت دولت هر وقت که بخواهد میتواند بفروشد و هر قدر که بخواهد میتواند نگاه دارد و هیچ نوع زخمی نیست و اگر آقایان از خارج اطلاع کامل داشته باشند در موضوع دخانیات خیلی ارفاق و سهل گیری و وسعت در کار است که همه نوع سهل میشود حتی از شهری به شهری میتواند حل

کنند یک جواز سبیدی درست کرده اند که بدون این که تا کاش را بدهند میتواند ببرد و بفروشد وقتی که فروخت آموقت تا کاش را میدهد تمام این سهولت هارا داده اند و هیچ جای نگرانی نیست.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - صوبت شد. ماده سوم قرائت میشود: ماده سوم - در سال ۱۳۱۱ مؤسسه انحصار مجاز است نسبت به بزرگ از انواع اجناس دخانیه با اخذ حقوق مذکوره ذیل تهیه و تجارت یک قسمت یا تمام اجناس دخانیه را بموجب جواز بخصوص آزاد نماید.

- ۱ - توتون سیگار و سایر اجناس دخانیه که برای مصرف در سیگار بریده میشود از قرار یکم ۳ تومان
- ب - نونون چیق نیم کوپ از قرار یکم ۱۸ قران
- ج - نونون چیق اشنو - سلواحه - لاهبجان (از محال ساوجبلاغ مرکزی) و نونونهای مشابه آن ۱۶ قران
- د - نونون چیق سندیج - کرانسانان - سار چیلانغ مرکزی و نونونهای مشابه آن ۱۱ قران
- ه - نونوی چیق سز و پانه - همدان - دهخوارقان نهارند - نوبرکان - اطراف طهران و نونونهای مشابه آن ۷ قران
- و - کلیه اقامت نیاکو ارفران یکم چهارقران و باصددینار
- بیره - نیاکو چوب قلیانی در صورتیکه در قلیان مصرف شود مشمول حقوق نیاکو خواهد بود
- ز - نونون کسری سواروی یکم ۱۵ قران و اغبه یکم ۵ تومان
- ح - انواع نونون و سیگار و سیگار های خارجه در صورتیکه بمنوعیت فعلی آن مرتفع کردد صدی دوست از قبستی که وارد میشود.
- ط - انواع کافه سیگار و متفرعات آن صدی پنجاه از قبستی که وارد میشود.

بهره ۱ قیمت ورودی عبارتست از قیمت خرید و خرج جنس در وقت ورود و اضافه حقوق کرک و عوارض دیگری که بر دستفروش مآخوذ میگردد.

بهره ۲ - وارد کردن اجناس دخانیه مذکور در فقرات ح و ط در صورتیکه ورود آنها موافق قانونی دیگری نشانده باشد بدون اجازه مؤسسه انحصار دخانیات ممنوع بوده و مستلزم ضبط جنس خواهد بود.

**ولیس - آفای دیبا - بنده عرضی بنارم**

**ولیس - آفای مؤید احمدی**

**مؤید احمدی - لایحه** که سابقاً از طرف دولت در این موضوع تهیه شده بود و تقدیم مجلس شد در شور اول نظری دولت نسبت به آفایان و کلاهی و لایحی که تبتاکری بست دارد که این مالیات نسبت بانها مستکن است و به نوبت از عهده برآیند حقیقه بنده استنباط نمود خبلی تشکر میکنم از هیئت دولت و اعانه کبیون که آن نظری که ما داشتیم در شور اول که انحصار را بهمنی حقیقی خودی اجرا کنند و مالکین و زارعین را از این زحمت خلاص کنند در ماده چهار این نظر را تأیید کردند و حقیقه قابل تغییر و متکر است لکن بنده عرضی که داشتیم این بود که در ماده سوم مالیاتهای که وضع شده است برای نو تون و تبتاکو اینها مطابق ماده چهارم برای بکسال وضع شده است در قسمت تبتاکو میخوانم عرض کنم همانطور که اطلاع دارند آفای وزیر مالیه بیشتر تبتاکو عجاناناً بخارجه میورد یعنی مقدار مهمی از تبتاکری ایران بخارجه میورد این قسمت که از مالیات معاف است یعنی بی میدهد اگر هم پولی گرفته باشد برای حقوق انحصار وقتی که از کرک خارج شد و صادر شد آن پول را پس میدهد این یک موضوع مرسوم بود این است که قلیات و تبتاکو عجاناناً مهربان کم شده است در داخل نسبت به چند سال قبل مهربان کم شده است الان آدم قلیانی خیلی کم پیدا

و آت چیزی که بخارجه میورد البته مالیاتش را نمیکیرند از نو تون هم نمیکیرند از نو تون بیکار هم نمیکیرند اما در داخله در دیناری یک عایدانی است برای دولت حالا چه نگرانی ممکن است در این باب داشته باشند حتی همچو فرض کنیم که همان اضافه مالیات سال اول هم همچو فرض خیلی مستبعد را بکنیم که بقدری سنگین باشد که برای زارعین مشکل باشد و در دستشان بماند یک قدری از محصولات بماند در دستشان آخراً سال که انحصار عملی میشود که دولت باید بخرده چه رانسانند بپروشد در سال آتی باقیش را که دولت میخرد پول نقد میدهد مطابق قیمتهای پنجساله اخیر در اینصورت هیچ جای نگرانی نیست و مذاکره کردن در باب این دهشاهی و یک تومان دیگر لزوم ندارد برای اینکه ما منظورمان مالیات است و از هر چایی یک مختصری مالیات برای دولت زیاد میشود و خیلی کم سنگین نیست و قتیکه نو تون بیکار و نو تون چیزی نیم کرپ و نو تون چیزی های مختلف میدهد تبتاکو هم الا آن که سران میدهد یک چیزی هم اضافه بدهد و چون منظور اصلی ایشان حاصل شده است و در این باب اشکال بیانی نیاید همه بکنواخت شده است قبولش هم برای بکسال است و بعد از آن هم انحصار میشود

**ولیس - آفای اعتبار**

**اعتبار - موافقت**

چشمی از نمایندگان - کافی است.

**ولیس - پیشنهاد آفای دکتر راجع بکدام ماده است**

**دکتر طاهری -** راجع بهمن ماده که مطرح است

**ولیس - فرات میخورد.**

**پیشنهاد آفای دکتر طاهری**

پیشنهاد میشود در آخر سطر بفرماده اول عبارت در دفر ورود تبدیل شود تا دفر ورود.

**دکتر طاهری -** این پیشنهاد بنده یک چیز واضحی است که منوید قیمت ورودی عبارت است از قیمت خرید و خرج جنس در دفر ورود یعنی تا اینجا

که آمده باید خرج را معین کنند و این اشتباهنده مخیر - بنده قبول میکنم

**ولیس - آفای وزیر مالیه.**

**ولیر مالیه -** بلی قبول است مطابق نیست

**ولیس - رأی** میگیرم بدهد - سوم با مختصر اصلاحی که از طرف آفای دکتر طاهری پیشنهاد شده موافقتن قیام فرمائید.

**( اکثر برخاستند )**

**ولیس -** موافقت شد. ماده چهارم قرائت میشود. ماده چهارم - از اول سال هزار و سیصد و دوازده دولت مکلف است خرید و فروش کلیه محصولات دخانیه آن سته و سوات بحدرا خود میباشند نماید مالکین محصولات دخانیه و اجناس و ادوات مربوطه با یک مکلف خواهند بود که اموال مذکوره را با احتقابه قیام آفای بیوسه انحصار دخانیات بفرودند

حد اقل قیمت خرید اجناس مذکوره در هزار و سیصد و دوازده میزان متوسط قیمت پنجسال اخیر بر طبق معاملات تجار خواهد بود و در سوات بعد ده ساله مؤسسه انحصار دخانیات با در نظر گرفتن وضعیت محصول و بازار نرخ آن سال را معین و یکماه قبل از برداشت محصول در محل اعلان خواهد بود.

نظایمانه مربوط بجمعی نمودن انحصار دخانیات قبل از هزار و سیصد و دوازده از طرف وزارت مالیه تهیه شده و تصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید.

**ولیس - آفای طهرانی**

**طهرانی -** بنده در این ماده عرضی که دارم این بود که اصل فرایند انحصار که اکثر آفایان طرفدار آن بودند این بود که انحصار بنام معنی اجرا شود و فوایدش برای محصول دخانیه این بود که وقتی زارع زحمت کشید و حاضر کرد دولت مکلف است پول او را بدهد یعنی بخرد و در این قانون این را پیش بینی نکرده زیرا که اینجا میبویسد مالکین محصولات دخانیه و اجناس و ادوات مربوطه بان مکلف خواهند بود که اموال مذکوره

را با اخذ قیمت نقدی آن به‌وسه انحصار دخانیات  
 بفروشد آنها مکتفند بفروشد ولی اداره انحصار مکتف  
 نیست بخرد بقیه می‌تواند وقتیکه مال من حاضر شد بگوید  
 من حالا لازم ندارم سیر کن اولت فرماید که خیال  
 من مکتف است در اجرای کامل الیبار قانون انحصار بمحصول  
 و زارع مرتب است نااهن شده بنده منمقدم در آخر  
 این ماده اضافه شود اداره انحصار هم مکتف بخرد  
 خواهد بود و الا صاحب جنس مکتف بفروش باندولی  
 اداره انحصار مکتف بخرد باشد فایده نخواهد داشت.  
**ولتر ماله** - معلوم میشود که همچو احتمال میدهند  
 که دولت بخرد و بعد پولش را ندهد (طهرانچی - اسامی  
 بخرد) با اینکه بگوید حالا نمیخرد بنده سرکار اطمینان  
 میدهم که غیر از این احتمال ندارد و نه احتمال دیگر هم  
 می‌رود که باید بنویسم که مثلاً اسکناس هم بدهد اگر پول  
 سفید بدهد سنگین میشود اما این چه احتمال است بنده  
 قبول میکنم ، باینرا باید بنویسم پولش را هم بدهد و بخرد  
 هر چه که بپذیرد قبول میکنم بنده اطمینان میدهم که  
 دولت همان روز اول خواهد خرید و همچو احتمالی هیچ  
 نیست هر چه که ایشان پیشنهاد میفرمایند بنده قبول میکنم  
**رئیس** - آقای اعتبار .

**اعتبار** - موافقم

**رئیس** - آقای طهرانچی پیشنهادی دارید

**طهرانچی** - بای تقسیم میکنم

**پیشنهاد آقای طهرانچی**

اینجناب پیشنهاد میکنم که آخر جمله به‌وسه انحصار  
 بفروشد اضافه شود و اداره انحصار مکتف بخرد آن  
 می باشد .

**طهرانچی** - بنده میخواستم در این باب توضیح عرض  
 کرد ، باشم آقای وزیر ماله فرمودند بنده نظرم این  
 بود که دولت جنس او را بخرد و پول او را ندهد بنده  
 نظرم این نبود عرض بنده این بود که دولت مکتف بخرد  
 نیست یعنی ممکن است وقتی مال حاضر شد اداره انحصار  
 نخرد بگوید حالا لازم ندارم نه اینکه بخرد و پولش را ندهد

**طهرانچی** - اشکالی که در ماده اول و در  
 قسمت حکمیت آن شد اینچاهم وارد است و بنده عقیده  
 دارم که این ماده هم باید بکمیسیون برود تا تکلیف آن  
 پیشنهاد آقای شریعت زاده معلوم شود .

**رئیس** - پیشنهادی از آقای اعتبار داور بمنظور آقا  
 رسیده است .

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در آخر ماده پنج عبارت ذیل اضافه  
 شود .

در صورتیکه برای تعیین مقوم مشرک توافق حاصل  
 نشود بزینوسی که در قانون حکمیت برای تعیین حکم مشرک  
 پیش بینی شده عمل و مقوم مشرک تعیین خواهد گشت  
**اعتبار** - بند اینجا عین نظریه آقای وزیر ماله را  
 پیشنهاد کردم که این ماده در وقت بکمیسیون بجهت نحو  
 اصلاح شود زیرا نظر آقای شریعت زاده هم این بود  
 که مقوم مشرک باین ترتیب تعیین شود بنده پیشنهاد  
 کردم مطابق قانون حکمیت که راجع بانتخاب سه حکم  
 است ، همان ترتیب مقوم مشرک انتخاب خواهد شد .

**ولتر ماله** - بکنده دیگر قرائت شود .  
**رئیس** - قبل از اینکه قرائت شود بنده نوجه آقای  
 وزیر ماله را به آن پیشنهاد آقای شریعت زاده جلب  
 میکنم که این دو تا باید باهم موزون باشد .

(پیشنهاد آقای اعتبار مجدداً قرائت شد)

**ولتر ماله** - نکته که آقای رئیس فرمودند صحیح  
 است و اینهم باید برود بکمیسیون و هر دو بیک شکل درست  
 بشود .

**رئیس** - ماده ششم قرائت میشود .

ماده ششم - کلیه اجناس دخانیه داخلی در مرفق  
 صدور بخارج از حقوق کمرک معاف خواهد بود . و عوارض  
 انحصاری ماخوذه از آنها مسترد میشود .

**رئیس** - موافقت با ماده ششم قیام فرمائید .

(غلب نمایندگان برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد . ماده هفتم :

ماده هفتم - از تاریخ اجرای این قانون نسبت بدخلفین  
 از مقررات آن برطبق فقرات ذیل رفتار خواهد شد .  
 الف - هرکس اشائی را که بموجب این قانون خرید  
 و فروش و تدلک آنها یا انحصار بدولت یافته قاچاق نماید  
 مشمول قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۰۷  
 خواهد بود .

ب - هرگاه ادوات توتون سالی و دودسارکویی و  
 ماشینهای سیگار بچینی در منازل اشخاص و غیر از تورگر  
 محل ماشین خانه کشف شود و همچنین هرگاه معلوم شود  
 که اشخاصی هاون یا ماشین توتون دستی یا دوتر  
 یا ماشینهای کاغذی و سحافی کاغذ سیگار و کیازربزی  
 و متفرعات آنها را برای بکار برین در کار توتون و  
 کاغذسیگار و کیازرب و نظایر آن نگاهداری و یا برای این  
 مقصود بکار میرند عین ماشین و هاون و ادوات مذکوره  
 ضبط و مرتکب و معاونین او هر یک محکوم بیرواخذ جریمه  
 نقدی از پنجاه الی یکصد تومان خواهند شد و در صورت  
 تکرار جرم بعلاوه جزای نقدی بجنس تأدیبی از یکماه الی  
 شش ماه محکوم میشوند .

ج - تخلف از ماده دوم این قانون موجب الزام  
 بجنوب دادن تمام جنس توتون در یافت قیمت از مؤسسه  
 انحصار خواهد شد .

د - اختلاط چوب قلیانی کوبیده با قلیا کوی کوبیده و  
 سایرید بانوتون چینی سالیده و توتون لیم کوب یا اجناس  
 غیر دخانیه در توتون سیگار بریده یا در سیگار نموع و در  
 حکم قاچاق است و متخلفین برطبق قانون مجازات مرتکبین  
 قاچاق مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۰۷ محکوم تلقی خواهند  
 شد .

**رئیس** - اشکالی نیست (نمایندگان - غیر ) موافقت  
 باماده هفتم قیام فرمائید

(غلب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد . ماده هفتم قرائت میشود :

ماده هفتم - وزارت ماله مجاز است فوضی را که از  
 بانک یا من یازده قران تفاوت حقوق توتون لیم کوب که

تاریخ صورت این قانون در بافت نموده اند صاحبان آنها مسترد دارد.

**ولیس** - آقا ایستاده با ماده هفتم موافقت نظر دارند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

**ولیس** - تصویب شد. ماده نهم فراتر میشود:

ماده نهم - برای هر يك از اظهار نامه ها و تقاضا نامه های صدور جواز دخانیات برای نقل و انتقال در داخله دو قران بدون حقوق دفتری در بافت و در مقابل نمبر المانی و باطل خواهد شد - حقوق ایاز داری و سیم بندی عدل ها و مهر سر و غیره مطابق نظامنامه که بتوسط کمیسیون قوانین ممالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید گرفته میشود. نهمه - اجناسی که با جواز از نقطه بنقطه دیگر حمل مینمایند چنانچه بدون عذر موجه پنج روز دیرتر از مدت معینه در جواز وارد آباد مقصد بشود پیابندت رسد علاوه بر حقوق انحصار منی ده شاهی جریمه از آن اخذ میشود

**ولیس** - آقای روسی

**روسی** - بنده میخواستم از آقای وزیر ممالیه سؤال کنم که مقدار قیمت پلمب و سیم کشی و اینها را بپوشان شکل و قیسه که تمام میشود دولت میکرد یا اینکه از این باب هم يك مقداری اضافه میشود

**ولیر ممالیه** - اینجا چیزی اضافه نمیشود و در عمل پلمب و سیم و اینها يك چیزی مدهول بود این را خواستم قانونی شود و همان چیزی که خرج میشود گرفته میشود.

**ولیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بنده با این بصره کاملاً مخالفم دلش را هم عرض میکنم فرض بفرمایید جنسی را آوردند انبار بوظایفه اش عمل کرده آورده بانبار حالا میخواهد حمل کند بيك نقطه دیگر جواز هم اداره داده است پلمب هم کرده تمام کارهای را کرده اینجا می نویسد چنانچه بدون عذر موجه پنجروز دیر تر از مدت معینه در جواز وارد آباد مقصد بشود یا بدهد رسد بکنم ده

و تمام مقررات قانون قاچاق درباره او مجری میشود ولی اینجا موردی پیدا نخواهد کرد فقط يك چیزی که هست بکجا وارداری همانطور که فرمودند عرض اینکه در استفاده کرده باشد دو باره بیاورد برساند دیرتر بیاورد برساند و ایام تقصیر ناچر نخواهد بود بفرمایش خودشان یعنی آنکسی که جواز حمل میکرد تقصیر ندارد چاروادار از برای اینکه يك استفاده بکند و سطر امیندازد که يك بار دیگر را هم آورده باشد دو بار آورده باشد سه بار آورده باشد تقصیر آن ناچر بیچاره چیست که جریمه اش را بدهد آن چاروادار این کار را کرده است و بنده تصور میکنم که اگر موافقت بفرمایند این بصره حذف شود هیچ قاچاق نخواهد شد.

**ولیر ممالیه** - بالا باصل موضوع توجه فرمودید بحق هم دلایب برای اینکه تمام کارهای انحصار را مسوقا نشیند این مسئله چاروادار و اینها نیست اگر این را حذف بفرمایند تسبیحش این می شود که هیچ جواز نمیدهند اداره انحصار مجبور نیست جواز بدهد این هم مسامحه و سهولتی است که اولهم عرض کردم اداره انحصار دخانیات ارفاق زیادی در باره تاجار و مردم میکند که بول ندادند حتی استعمال میدهد برای بولش که بیرون فرورشد و بولش را بدهند انواع و اقسام نسیلهات را میکند یکی از آن قهلهات این است که جواز سفید میدهد برای اینکه تاسک را نگرند تاجر برود به آنجا برساند و اگر این بداند که امکان دارد آرا از تاجر بیاورد حضرت عبدالعظیم بگذارند آرتوقت بر کرده برود از قزوین هم بوجوب جواز یابود اینجا آن یکی را هم که از حضرت عبدالعظیم آوردن سوسنی ندارد ولی آرتوقت این مسئله باعث این می شود که این نسیلهاتی را که قانوناً مکلف نیست که تاسک نکند جواز بدهد آرا نکند.

**ولیس** - آقای وثوق

**وثوق** - عرضی ندارم

**ولیس** - آقای طهرانچی.

**طهرانچی** - در این قسمت عرضش بنده را آقای مؤید احمدی فرمودند و اینکه آقای وزیر ممالیه فرمودند که اگر مال را فرصت داشته باشد دو باره جنسی دیگری میدهد و قاچاق میشود اینرا بنده نتوانستم قانع شوم برای اینکه این جنسی پلمب شده اظهار نامه داده شده جواز گرفته شده اینها همه بوجوب يك قیسهائی است نه چکهائی است يك دفتری است اینها ممکن نیست قاچاق شود اگر نباید اینها انبار و از بین برود از آن تاجری که اظهار نامه را داده قطعاً مطالبه میکند و قاچاقی است جنس میشود

**ولیس** - آقای وثوق

**وثوق** - موافقم

**ولیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - عرض کنم بنده هم اتفاقاً با این

بصره مخالفم و اینکه آقای وزیر ممالیه فرمودند اگر بصره حذف شود ممکن است قاچاق شود بنده عرض میکنم اگر ساربان جنسی را بوجوب جواز سفید حمل کرد یا بوسیله تاجر و آن صاحب ماشین آمد و تأخیر کرد و بوسیله بپوفع بد آن پادامه هم قید شده فرض کنید ده روز بدهد برساند و او تأخیر کرد و دیر رسد و عذر موجهی هم نداشت بالاخره این صاحب مال از بین برود برای اینکه حامل آمده تصور کرده این منشی نیست بنده اینجا اگر ما بخواهیم يك جریمه قابل شویم در صورتیکه متصدی تخلف کرده باشد جریمه موجه بشود او بیکم متوجه تاجر نکند برای اینکه او آمده است و برسیس حمل و نقلی که در يك نقطه هست جنس را در نقل داده و جوازی هم گرفته است آن اداره حمل و نقل رسانده است آرتوقت این جنس او را ضبط کند برای اینکه حامل تأخیر کرده است متعلق نیست.

**مخیر** - عرض میکنم این فرض حضرت آقای ملک مدنی گمان میکنم عوارض از همان عذر موجه باشد فرضاً از محلی يك موجود مال داده شد بیاورد و مونوچی ضایع کرد و تلف کرد و برخلاف سندی که مدهول است و مدهول می کند رفت و مالی را معطل گذاشت و ثابت شده که این معطل گذاشت از برای صاحب مال خود این يك عذر موجهی است و منظور او عذر موجه يك عذر معنی که نیست همینطور چاروادار همینطور سایر حوادث اتفاقیه و گمان میکنم جای نگرانی نباشد چیزی از نمایندگان - کافی است.

**ولیس** - پیشنهاد آقای فرش فرشی فراتر میشود:

**پیشنهاد آقای فرش:**

این بنده پیشنهاد میکنم بصره ماده نه حذف شود.

**فرشی** - بمقیده بنده این پیشنهاد

مخیر - بلند تر آقا

**فرشی** (در پشت صکریس نشاند) - بنده عقیده ام این است که این بصره حذف شود برای اینکه این بصره قطع خطر از اینکه تولید اشکالات بین تاجار و

مکایران و انحصار دخانیات میکند ابدأ باید برای اداره انحصار دخانیات نخواهد داشت مثلاً می‌تواند اگر بیشتر از پنج روز تأخیر کرد فلان نهاد تومانی دهشاهی باید صاحب مال جرم بدهد حالا تصور بفرمایید يك جارواداری مالدا حمل‌بندك و این حمل و مسافت معلول است بمواداتی آنچه که پیش میاید فرناً در نتیجه پان حوادثی اگرچه اینجا می‌تواند اگر عذر موجه نداشته باشد پنی عمداً تأخیر نشده باشد اولاً این بات این خیلی اشکال دارد ثانیاً فرض کنید تصور کرد چارواداری این مال دا پنج روز شش روز ده روز دیرتر آورد آتوقت این تومانی دهشاهی را باید صاحب مال بدهد این چه عدالتی است که يك تسانی يك اجیری تصور کرده من که تقصیر نداشته باید جرم بدهم؟ این است که بنده این را زایل مبرهان و پیشنهاد کردم که حذف شود

**وزیر مالیه** - البته آقای فرشی اظهار کردی اگر فرمودند که ممکن است اسباب زحمت شود و همچو قانونی وضع میکند و مردم باشکال میآیند عرض کردم که موجود است این قانون دو قانون سابق هم بوده خیلی کمتر از این و هیچ اسباب اشکال هم نشده همیشه هم ماورد بود و در موعده میرساند و اگر نیاورد تا نایب جرمیده من میگفتم اما آنقدر عفر دیرتر آورد این را جویاوش را آقای کازرونی دادند اولاً این است که اگر شتر بدلی بزرحت شده باشد و دیرتر یاورد عذر بجویی است و هر کس باکاراژ يك قرارداد می‌بندد که این را در فلاجا و فلان محل ویرساند اگر کم از کم که مجبور شده ديدك موردی بدون عفر موجه يك جرمیه بدهم بگیرند من هم اقامه دعوی میکنم بر علیه آنکسی که او با عذر من شده است ولی نمی‌شود این را آزاد بکند اگر آزاد بکند بزم باعث شیوع قاچاق می‌شود و غیر ممکن است پنی باعث موقوفی این بوسنی است که الا آن تجار دارند برای اینکه مطابق قانون انحصاری که شما گذاشتاید هر کس که در بازار آورد مثل نرگ یا باید تا کدش را بدهد و برید خوب بد از اینهم مغبطور خواهد شد که اگر کسی تا کس را ندهد

نی‌تواند يك فرسخ آلفرف بدهد بل كركك مثل نرگها حالا در رشت تاجر نمی‌دهد می‌آورد طهران می‌فرشد آتوقت میدهد و اشکال موقوف می‌شود آتوقت در سوزنی که این فرشیانی که می‌شود در عمل اسباب اشکال می‌شود و در تمام عمل این طور نیست دهمزار قر يك فر ممکن است که این کار را بکند و البته باید جرميه بشود برای اینکه قصد بد داشته

**رئيس** - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است قرائت می‌شود:  
**پیشنهاد آقای اعتبار:**

در آخر نيمه عبارت ذیل را پیشنهاد میکنم. دوسویزك معلوم گردد نعل و تأخیر از حامل چس بود صاحب مال مورد مؤاخذه و تعقیب واقع نمی‌شود.

**رئيس** - آقای اعتبار  
**اعتبار** - اینجا آقایانی که عقیده دارند نيمه حذف شود این بنظر بنده بشرر صاحبان مال و تجار دارندگان مخدول تنباک است برای اینکه اگر چنانچه ما این نيمه را حذف کنیم مؤسسه انحصار بچونچه تکلف نیست با آنها جواز بدهد باید پولش را بگیرد باها جواز بدهد وقتی که چسني در يك عملی فروش رفت و صاحب مال اینطور تشخیص داد که در عمل دیگری ممکن است بفروش برود این جواز سفید میکند يك عمل دیگری میدهد می‌فرشد و این لرفاق و ککی است و اگر این را برداریم با آنها نرسدی وارد می‌آید و این کمک و موافقت را باید با آنها کرد اما برای اینکه تولید سوء نفعات بعد ما بشود که اگر چنانچه چاروادار یا شوفر تأخیر کرد در رساندن چس به عمل آتوقت بیایند بقیه صاحب مال را بگیرند بنده این پیشنهاد را کردم که اگر اتفاقاً واقع شد صاحب مال مورد تعقیب واقع نشود و آنطرف قضیه را هم بگیریم که اگر چنانچه این را بکنی برداریم ممکن است که يك شوفر بايك جواز پنج تا مال دیگر را حمل کند همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند این مال را ممکن است بگذارند برود مال دیگر را حمل کند بالاخره اسباب اشکال و تولید زحمت میکند و اسباب فاجای را بیشتر تهیه میکند

**وزیر مالیه** - عرض کنم تمام امور جزائی و جرميه که در مملکت معمول است برای افراد همین حال را دارد اگر من بيك کسی چیزی را فروخته‌ام که در فلان موقع باید تحویل بدهم و بيك کسی آمد در خانه من و آن چس را برد آن صاحب مال ديگر عسكرو نمیشود ؟؟ اداره دخانیات نمیتواند شوفر ها را مسئول قرار بدهد اسلاً شوفر ها چه مسؤولیتی دارند که اداره انحصار بقیه آنها را بچسبد. صاحب مال می‌رود با کاراژ و شونفور قرار بگذارد می‌گوید تا فلان تاریخ باید برسانی فعلاً سه قضیه ناپنجشنبه من بتو مهلت میدهم پنج روز هم علاوه بر مدت حال داد اما بدان که اگر ترسانی برای من اسباب زحمت است و باید من جرميه بدهم و تصدیق کنید که اگر این جرميه گرفته نشود اداره انحصار با صاحب مال طرف است نمیتواند آنها را ول کند و بچسبد به شوفر ها خودت زن صدیق بفرماید آتوقت اداره انحصار مثل اداره نظليه و مأمورین امنیه و نظليه باید در این کار دخالت میکنند علبش همین است اتفاق من هم می‌آید همچونبر ماده م چند سال است مجری است و اگر اتفاق بیفتد صاحب مال جرميه باید بدهد برای اینکه چون میداند باید جرميه بدهد بموقوف میرساند و وقتی که جرميه را داد آتوقت برود از شوفر بگیرد

**رئيس** - بنده استزاد میکنم  
**رئيس** - شبیه این پیشنهاد را آقای شریعت زاده کردند

**شریعت زاده** - بخوانند  
**رئيس** - بیون مساوی است.  
**اعتبار** - بخوانند

**پیشنهاد آقای شریعت زاده**  
پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بر قسمت اخیر نيمه اضافه شود. مسروط بر اینکه جهت تعویق عمداً از طرف مالک ایجاد شده باشد.  
**رئيس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - عرض میشود که تأخیر وصول این مال با نانی از مالک است یا از حمل کننده اگر بواسطه تقصیر حمل و نقل چی تأخیر شده باشد البته نمیشود مالک را تعقیب کرد و نباید جرميه شود و علاوه مسئله اینکه تأخیر مقسوب به مالک باشد و عمدی باشد این را هم تصریح کرد اگر نشود بطور کلی هر مالک صكه تأخیر شود از طرف مالک این صحیح نیست بنظر بنده این قسمت اخیر پیشنهادش از طرف بنده برای این بوده است که (بنده) پیشنهاد میکنم پیشنهاد حذف این را بکنم این ضرورت ندارد) باید يك نظامنامه خاصی در خصوص حمل و نقل از طرف دولت پیشنهاد به مجلس شود و اشخاصی که حمل و نقل چی هستند چون موضوع حمل و نقل خیلی مهم است از نقطه نظر اشواغ عمومی مملکت اینرا يك ترتیب صحیحی بدهند و الا هیچ ناچاری نمی‌آید عمداً تأخیر میکنند در کار باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم که لاقول آقای وزیر مالیه می‌گذراند

**معتبر** (آقای کازرونی) - اگر چه جواب این را قبلاً آقای وزیر مالیه دادند لکن اگر چه عبارتی را که آقای شریعت زاده پیشنهاد کردند پذیریم (چمی از نمایندگان - تشبیهم آقا بلند تر بفرمایند) بایستی دولت همیشه رجوع به تاجر طرف بکند (ملك مدنی بفرمایند پشت تریبون) که پیشنهاد که عمداً کرده‌است یا نکرده است (مهمه نمایندگان - زنگ رئیس) در صورتیکه او باید ثابت کند (نمایندگان - آقا بفرمایند پشت تریبون نمی‌شنوم) (دشمن همین بهتر است که مختصر بفرمایند) که عمداً همچو کاری کرده یا نکرده در هر صورت نظر خوبی است سابقه هم دارد عمل هم مبتنی بر این است همچوقت هم ایجاد اشکالی نکرده  
**رئيس** - آقایانی که پیشنهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)  
**رئيس** - قابل توجه نقد. پیشنهادی از آقای دهستانی رسیده قرائت میشود

**پیشنهاد آقای دهستانی :**

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه جریمه نوشته شود . از محل آرای مکاری اخذ میشود

**کارروایی** - خدا رحمت کند قاضی باخ را

**رئیس - آقای دهستانی**

**دهستانی** - عرض کنم که آقایان تازه خیال میکنند بلك جنسی از محل میخواهد به محل حمل شود غیر این فتنه سابقه دارد معمول این است که کسر بار آشورسازان به مقصد همیشه معمولاً با حامل بوده است حامل که مقصر شد از تاجر و صاحب مال چرا باید این جریمه را بپذیرد و این دور از انصاف است و بنده بهتر از این نظر نظری ندارم .

**فروردین** - اگر چه بنده جواب عرض کرده ام

لیکن مقصود این است که هم منظور دولت حاصل شود هم منظور آقایان . هر کس با بلك کار از مغزری بلك شوقوری حمل و نقل میکند همان شرط را با او بکند . نظر بنده این است که اداره انحصار نمیتواند با شوقر ها طرف بیاید و در عمل هم اشکالی تولید نمیشود اگر هم اشکال شد عرض کردم که از مجاز باید بگذرد .

**رئیس** - آقایان که پیشنهاد آقای دهستانی را قبول

نوعه میدادند قیام فرمایند

( عذر قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - قایل توجه شد . آقای ملک شمام پیشنهادتان

را نقیب میکنید .

**مالک مدنی** - این مقدار همان پیشنهادی است که

آقای اعتبار الدوله کردند

**رئیس** - میخواهیم

پیشنهاد مقامات عبارت قایل به تصرف اضافه شود

چنانچه حامل در رساندن جنس دخانیه غفلت نماید

صاحب مال مسئولیت نخواهد داشت .

**رئیس** - آقای ملک مدنی

**مالک مدنی** - عرض کنم بنده عرضی که بصرم

آقای غیر هم فرمودند که این همان عذر موجه است و آقای وزیر مالیه هم تأیید کردند این نظر را منتی آقای اعتبار پیشنهاد کردند که دراصل بصره باشد چنانچه در فروردین عذر موجه قبول کردم قیام شد حالا در نتیجه این پیشنهادانی که شد موافقت تقریباً قیام انبیاور معلوم شد که نظر آنان این است که اگر چنانچه تأخیر در رساندن بلك مال دخانیه شد صاحب مال مسئول است و مسئول شود در قانون قید شده باید مال او ضبط شود یا جریمه شود بنده با این نظر موافق نیستم مجلس هم میخواهد موافقت کند بکنند بنده بر خلاف حق و انصاف می دانم زیرا بلك نفر تجاری که مالی را به مکاری داده که باید او در بلك وقت مینویسند برساند در بار نامه ام هم قید شده اگر او تأخیر کند و فرساند باید مال تاجر را ضبط کرد

**وزیر مالیه** - آقا فرمودند که باید مالش را ضبط

بکنند کجا نوشته است ؟ بعد از این همه حرفها باید مال ضبط شود . دولت که ضبط نمیکند ؛ دولت بکند دهستانی علاوه نمیکرد و آن چیزی که بنده عرض کردم متجزاً این است که اگر اتفاق بیفتد که شوقر در راه انبیاور میزند و تأخیر کند این عذر موجه است چه برای شوقر و چه برای صاحب مال عذر موجهی اتفاق بیفتد اما اگر شوقر و صاحب مال هیچکدام عذر موجه نداشته باشند شوقر نیارودم غفلت کرده عرض کردم اداره انحصار نمی تواند با شوقر طرف شود . صاحب مال وقتی مالش در فلاحت رسیدم است اداره انحصار حق دارد سوء ظن کند که منی بر خیالی است که او خواسته استفاده کند عذر موجهی هم نتوانست ثابت کند البته در انبیاور نباید جریمه را بدد و از شوقر بگذرد و در فرار داداش قید کنند هم عذر موجه و سایر معاذیر موجه که خود صاحب مال برایش اتفاق می افتد . عذر موجه تخصیص اینجابنا ندارد در همه جا هست در حضور و غیبت اشخاص که میروند در بلك میباشند در بلك اداره عذر موجه معلوم است وقتی که موجه باشد قبول میشود موجه نباشد باید جریمه اش را بدد ضبط مال هم اینجا بنویفته .

**مالک مدنی** - استرداد میکنم .  
**رئیس** - رأی میگیریم بماده نه موافقت قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد . ماده چهارم قرائت میشود  
ماده دوم - اداره کل تجارت و اداره کمرکات بلكت خواهد بود که قبل از دادن صدیق صدور نسبت به وارد دخانیات که صادر میگردد و پادمان چوارز ورود برای اجناس واردات مربوطه بدخانیات اجازه کتبی انحصار دخانیات را از صادر یارود کننده تقاضا نماید .  
**رئیس** - آقای طهرانچی .

**طهرانچی** - خوبست بفرمایید اجازه کتبی در

موضوع صادرات است درمسئله دخانیات و اجناس دخانیه همان چوارز همان چون بالدریبه هر حق صدور چوارزی خواهد بود اجازه کتبی غیر از آن چوارز است با همان چوارز است ؛ اگر سواي آن باشد بلك میکلانی از برای صادرات تولید میشود که غیر از آن چوارزی را بگذرد بلك اجازه کتبی هم باید بگذرد و این تماس زیاد صاحب مال است بادارت دولتی و قدری تولید اشکال میکند .

**وزیر مالیه** - این مسئله دو طرف دارد در شرط

دارد یکی این است که خود اداره قبل از چوارز ورود نمیدهد جزو انتمه مجاز نیست در قانون انحصار تجارت . منظور این است اگر بلك چوارزی بدهند یعنی در یکی از سالها جزو سهمیه انتمه وارد مملکت بشود در قبال میشود مثل بکسال قبل در انوقت هم باید از اداره دخانیات چوارز بگذرد .

**طهرانچی** - صادر را عرض کردم البته ورود را از

اداره انحصار باید چوارز بگذرد .

**وزیر مالیه** - این جا صحبت از صدور است صدور

هم البته چوارز دارد دیگر یعنی منظور این است که اداره کمرک چوارز را مطالبه میکند منظور همان است .

**رئیس** - قبول کردید ؟

**طهرانچی** - توضیح دادند که اجازه کتبی همان چوارز است

**رئیس** - موافقت با ماده دوم قیام فرمایند .  
( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** تصویب شد . ماده یازدهم قرائت میشود  
ماده یازدهم - برای سرایه ایستماعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است با تصویب وزارت مالیه دو میلیون تومان از بانک ملی و یا بانکهای دیگر استراضی و با اجازه وزارت مالیه حق اخذ و مصرف آن را خواهد داشت .

**رئیس** - آقای دبیا

**دبیا** - در این ماده استراضی را اجازه داده شده ولی پرداخت از آنجا نوشته اند بنده عقیدم این است چنانکه در ماده سوم قانون انحصار قید و شکر نوشته شد که استراضی کند بعد پرزدان آن عبارت عیناً اینجا نوشته شود . بدینم اینجا نوشته که حق اخذ و مصرف آنجا خواهد داشت . در صورتیکه استراضی را اجازه بدهند البته حق اخذ و مصرف هم خواهد داشت و این عبارت دیگر لازم نیست

**وزیر مالیه** - عرض کنم این ماده در قانون سابق

هم بود اول سال بلك قراردادی با بانک ملی میگذاشتند محتاج دو میلیون هم اغلب بنده است چندی اوقات بلك میلیون و بلك بیلیون و نیم الی دو بیلیون حساب چاری بازی می کند برای خرید و فروش تونون و اینها و آخر سال هم تسویه میکنند و چندی اوقات در آخر سال بلك چیزی باقی میماند می برد حساب چاری سال آینده عمل بر این چاری است همینطور هم می شود اگر هم میخواهد آخرش تسویه کند و بد بکند تسویه تسویه که در همان سال رد بکند در همان سال لازم نیست البته رد می کند فرض دالمی که نمی کند .

**رئیس** - آقای نواب

**حسینی نواب** - عرض کنم که اینجا بنویسید

دو میلیون تومان از بانک ملی و یا بانکهای دیگر . خوبست نوشته شود که مقصود بانکهای است که تأسیسات در ایران است ؛ جاهای دیگر و اگر منظورشان بانکهای است که در ایران تأسیس شده خوبست ذکر شود .

**وزیر مالیه** - مندرج است اینکه را که فرمودید بمسرد بانکهای است که بدوران هستند یا خالی یا خارجی. ما از بانک ملی میگیریم ولی بانکهای دیگر می نویسیم برای اینکه در قانون حاجت نیست دولت بخوشی را مجبور کند که از بانک بکند برای این که اگر معامله نند از جای دیگر بخرند بگیرد ما می نپرداز نوشته شود با بانک ملی یا بانکهای دیگر که در ایران است.

**رئیس** - پیشنهادهای آقای ارباب کیخسرو بدقراست می شود؛  
**پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو:**

اصلاح ماده پانزدهم دخانیات در این قسم پیشنهاد میکنم ماده پانزدهم - برای سرمایه انتفاعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است دو میلیون تومان از بانکهای و یا بانکهای دیگر باصوب و اجازه وزارت مالیه استراض و اخذ و بهصرف رساند.

**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو  
**ارباب کیخسرو** - این اصلاحی که بنده پیشنهاد کرده ام تقریباً همان ماده است منتهی چیزی عبارتست و پیش شد است و محتاج اصلاح است اینجا مناره هم شد با آقای وزیر مالیه و میخیز کیسیون تصویب کردند فقط چیزی که اینجا علاوه خواهد شد همان چیزی است که تذکر هم داده شد نسبت به بانکها که فکر شود بانکهای داخلی.

**مجتب** - بله البته پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو است و قبول میکنم لکن بانکهای دیگر که فرمودند بانکهای داخلی در ایران.

یعنی از بنایندگان - بانکهای دیگر در ایران.

**مجتب** - بانکهای داخلی در ایران با بانکهای دیگر در ایران  
**رئیس** - آقای ارباب این تصحیح را شما می کنید.  
**ارباب کیخسرو** - بله  
**رئیس** - این تصحیح عبارت است از (با بانکهای دیگر در ایران). پیشنهادی از آقای دیا رسیده است؛

**پیشنهاد آقای دیا:**  
پیشنهاد می نمایم ماده پانزدهم اصلاح ذیل بشود: و با اجازه وزارت مالیه اخذ و بهصرف نموده و اصل و فرع آن را از محل عواید حاصله از معاملات دخانیات بردارد  
**رئیس** - آقای طباطبائی  
**طباطبائی دیا** - توضیحش را عرض کردم اینجا استراضی که نوشته می شود پرداخت هم باید نوشته شود آقای وزیر مالیه فرمودند که مربوط به مان سال نباشد بنده هم قبول کردم

**وزیر مالیه** - این موضوع را اول عرض کردم صحیح است قبول هم میکنم ولی از عواید حاصله باید نوشته شود از عواید تجارنی نه از تاس و آنها  
**طباطبائی دیا** - خیلی خوب از عواید تجارنی نوشته شود.

**رئیس** - این اصلاحی است بر اصلاح آقای ارباب باید کتاب فرماید.

(تصحیح پیشنهاد از طرف آقای دیا قلم شد)  
**رئیس** - قرائت شد حالا تصحیح بفرماید صحیح قرائت می شود:

و با اجازه وزارت مالیه اخذ و بهصرف نموده اصل و فرع آنرا از محل عواید تجارنی معاملات دخانیات بردارد.

**مجتب** - اجازه میفرماید قبول میکنم لیکن عبارت که نوشته می شود تجارنی بطور اطلاق البته منظورشان تجارنی دخانیات است.

**رئیس** - حالا مجدداً تصحیح میکنم و قرائت میشود: ماده ۱۱ - برای سرمایه انتفاعی مؤسسه انحصار دولتی دخانیات مجاز است دو میلیون تومان از بانک ملی یا بانکهای دیگر در ایران باصوب و اجازه وزارت مالیه استراض و اخذ و بهصرف نموده اصل و فرع آنرا از محل عواید تجارنی از معاملات دخانیات بردارد.

**مجتب** - قبول میکنم  
**رئیس** - آقای وزیر مالیه - هم این اصلاحات را قبول میکنید!

**وزیر مالیه** - بله  
**رئیس** - موافقتین با ماده پانزدهم بطریق که اصلاح شد قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)  
**رئیس** - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود ماده دوازدهم - کلیه ماشینهای تونون بری و کبلیز و ریزی و ماشین سیکار پنجگی و صحنائی کاغذ میکار و متفرعات آنها در صورتیکه خود اداره انحصار برای مصرف خود وارد نمایند از حقوق کمرکی معاف خواهد بود.

**رئیس** - آقای فرشی  
**فرشی** - این ماده بقیه بنده اصلاح زیاد است زیرا بموجب قانونی که دوره هفتم از مجلس گذشت در ماده ماشین آلات برای مملکت آزادیه کمرکی معاف است دیگر دوباره در اینجا ماشین هارا داخل کردن واسم بردن بنده عقیده ام این است که لزومی ندارد.

**وزیر مالیه** - آقا ممکن است آن عبارت قانون سابق اگر نظران هست فرمایند (فرشی - الان درست ندارم خاطر هم بود) چون آطوریکه که ما تصور کردیم شامل آن نمیشود و این تصریح لازم است

**رئیس** - آقای اعتبار  
**اعتبار** - عرضی ندارم  
**رئیس** - آقایانی که با ماده دوازدهم موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود

ماده سیزدهم - قانون انحصار دولتی دخانیات بموجب ۲۹ آئیند ۱۳۰۷ و قانون بموجب سیزدهم آبانماه ۱۳۰۹ واقع حقوق انحصار دمار تونون سیکار و چوق و هم چنین قانون بموجب سیزدهم آبانماه ۱۳۰۹ راجع به مجازات اشخاصی که هارن و ماشین تونون بری دستی در منازل خود

**رئیس** - تصویب شد. ماده سیزدهم قرائت میشود  
**رئیس** - تصویب شد. ماده چهاردهم با اصلاحی که  
شده موافقت دارند قیام فرمایند.  
(اکثر قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد. برای ورود در مشور کلیات

چون دو ماده به کمیسیون مرجع شده باید انتظار اصلاح آرا داشته باشیم. آقای وزیر مالیه (۴) تقدیم دو لایحه از طرف آقای وزیر مالیه (۴) تقدیم دو لایحه دارد که به مجلس تقدیم میکنم یکی راجع است به اخذ اعتباری از ذخیره مملکتی برای مصرف مهمات لشکری و یکی دیگر خود بودجه مملکتی هزار و سیصد و پانزده است بودجه مملکتی را امروز تقدیم میکنم البته ترتیب جاری میشود و طبع و توزیع هم ممکن است بشود ولی برای سهولت کار خود

بنده هم این کار را کرده ام یعنی ماشین کرده ام بعد کسافی امروز تمنی کردم به آقایان ماده دودا که لازم بدانند که دوباره طبع و توزیع دودو و الايمان را کسافی بدانند. [۵] موقع جلسه - بعد ختم جلسه رئیس - اگر موافقت میفرمایید جلسه را ختم میکنم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه ۲۳ اسفند سه ساعت قبل از ظهر دستور لوائح موجوده (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

راجع به مخارج و عوائل حاصله از انحصار خرید و ورود و فروش قند و شکر و کبریت ماده اول - دولت مجاز است از تاریخ تصویب این قانون منافع حاصله از انحصار خرید و ورود و فروش قند و شکر (موضوع قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴) را بعد از وضع سرمایه و مبالغی که مطابق ماده سوم قانون ۹ خرداد ۱۳۰۴ برای مصرف مقرر در ماده ۹ همان قانون تخصیص یافته و همچنین حقوق گمرکی و عوارض راه (موضوع قانون ۱۹ جون ۱۳۰۴) و سایر عوارض مقرر در جزو عایدات عمومی مملکت محسوب نماید. ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون انحصار ورود و همچنین خرید و فروش کبریت بدولت واگذار شده و عوائل حاصله از آن بعد از وضع سرمایه و عوارض راه بجمع عایدات عمومی مملکتی منظور خواهد شد ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است در سال ۱۳۱۱ برای سرمایه و مخارج اجرای انحصار دولتی قند و شکر و کبریت از بانک ملی یا یکی از بانکهای دیگر تا مبلغ سه میلیون تومان قرض کند و اصل و فرع آرا از محل عوائل حاصله از معاملات قند و شکر و کبریت بپردازد.

بصره - ماده ۱۰ قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است ماده چهارم - حقوق مذکوره در ماده سوم قانون نهم خرداد ۱۳۰۴ شامل قند و شکر مصنوع داخلی نیز خواهد بود این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه نوزدهم اسفند ماه یکپزار و سیصد و شصت و شصت تصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی - دادگر